

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نورالله وثوق
۹ فبروری ۲۰۰۹

دو بیتي ها

کلاس هوش

ســـــر مشق بد آموزی نداریم
سر و کاری به هر مودی نداریم
کلاس هوش ما بالای با لا ست
هوای آتش افروزی نداریم

عرفان فنا

فقیرانیم و حیرت را نواییم
خود آموزی ز عرفان فنااییم
بلای جان سحر هرچه فرعون
کف اعجاز موسی را عصاییم

ضابط احتیاط

تهی از هرچه آهی در بساطیم
به موج گریه گرم اختلاطیم
ملبس بالباس داغ فـــــریاد
که ما از ضابطـــــان احتیاطیم

موسیقی آتش

شب و روز همنوای وای واییم
رفیق کـــــاروان انزواییم
مقامی غیر خاکستر نپوییم
که موسیقی آتش را نواییم

گرد و لگرد

ز دانشگاه دل مطرود تا چند؟
جدا از درس مهرآلود تا چند؟
چرا معتاد گگرد واژه جنگ
چنین و لگرد بوی دود تا چند؟

جواب آشنایی

اسیر زنده باد و مرده بادی
اساس زندگی را کج نهادی
سؤال همدلی را کردی از غیر
جواب آشنایی را ندادی

گُدی کوکی

سخنگوی شب مشکوک گشتی
ز آغوش سحر متروک گشتی
به سان گُدی در دست آتش
برای رقص ظلمت کوک گشتی

بمب ناز

ز بند ما و من مستانه رستم
به قصد چشم تو احرام بستم
نهادی بمب نازت را به راهم
ربودی پای هوشم را ز دستم

مفردات منزوی

دلی کو مثنوی معنوی بود
به تفسیر محبت ها قوی بود
دریغادر میان این جماعت
ز جمع مفردات منزوی بود

پیر دین

سیاست را کسی مرد قوی بود
که دست آموز اوضاع جوی بود
ولی من پیر دینی را بنازم
که ویرانساز کاخ خسروی بود

بوی لیلامی

خبر از بوی لیلامی جان است
سر هرکوچه ای ورد زبان است
تن بیگانه را تن پوش گشتند
چه می پرسی که مفت شان گران است

پانویشت:

- ۱- "مودی": کلمه عربی و در معنای "مضر"
- ۲- "ضابط احتیاط": اصطلاح عسکری و مراد از "صاحب منصب ریزرو"
- ۳- "گدی": آله بازی کودکان که بشکل حیوان باشد؛ در فارسی ایران "عروسک" گویند
- ۴- "پیر دین": ترکیب اضافی (به فتح دال) و به معنای "مرشد" و "مُراد"
- ۵- "لیلامی": لباس مستعمل که در بازار عرضه گردد